

میزگرد

ارزیابی موانع پیاده سازی IFRS در شرکت های ایرانی



ناصر محامی



سعید محمد علیزاده



مهدی سوادلو



ناصر رزاق



الهام حمیدی



شرکت کنندگان در میزگرد به ترتیب الفبا:

الهام حمیدی (عضو هیات علمی دانشگاه خاتم و کمیته ی تدوین استانداردهای حسابداری)،
ناصر رزاق (حسابدار رسمی و عضو هیأت مدیره ی جامعه ی حسابداران رسمی ایران)،
مهدی سوادلو (حسابدار رسمی و عضو شورای عالی جامعه ی حسابداران رسمی ایران)،
سعید محمد علیزاده (مدیر نظارت بر ناشران سازمان بورس و اوراق بهادار)، و
ناصر محامی (حسابدار رسمی و عضو پیشین هیأت مدیره ی جامعه ی حسابداران رسمی ایران).

بر اساس مصوبه ی هیأت مدیره ی سازمان بورس و اوراق بهادار، با توجه به مصوبه ی مجمع عمومی مورخ ۳۰ خردادماه سال ۱۳۹۱ سازمان حسابرسی، گروهی از ناشران ثبت شده نزد سازمان بورس، برای دوره های مالی منتهی به ۲۹ اسفند ۹۵ و بعد از آن موظف به ارائه ی صورتهای مالی خود بر مبنای استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی شده اند.

اینک در سال ۱۳۹۷ قرار داریم و ناشران مشمول گزارشگری مطابق ضوابط IFRS در تدارک تهیه ی دومین مجموعه صورتهای مالی بر مبنای این ضوابط هستند. از این رو، بررسی مشکلات و چالش های پیاده سازی این استانداردها در نخستین سال اجرا، برای گذار موفقیت آمیز از استانداردهای بومی به استانداردهای بین المللی ضروری است.

مهم ترین محورهای میزگرد حاضر مباحث موارد زیر است:

- ۱- با احتساب سال مالی منتهی به ۱۹ اسفندماه ۱۳۹۶، اکنون دو سال است که برخی از ناشران عضو سازمان بورس، موظف به گزارشگری با ضوابط IFRS هستند، کارنامه ی این دو سال به طور مختصر و فشرده چه بوده است؟ برداشت و تفسیر کلی شما از کارنامه ی این دو سال در مجموع چیست؟
 - ۲- استانداردهای حسابداری بخشی از قوانین اقتصادی کشور هستند و اجرای آنها به کمیت و کیفیت سود، جابه جایی منافع از گروهی به گروه دیگر، تغییر وضعیت و چشم انداز و موقعیت بنگاه های اقتصادی منجر می شود. با توجه به این موضوع، آیا به منظور عملیاتی شدن این استانداردها
- (به عنوان قوانین و ضوابط اقتصادی) در مورد نتایج اقتصادی و تأثیر این استانداردها در شرایط خاص موجود بر تصمیم گیری و رفتار بنگاه های اقتصادی، دولت، سرمایه گذاران و اعتباردهندگان و غیره، مطالعاتی که به نحوی ضرورت اجرای این استانداردها را توجیه کند انجام شده است؟



که کار آن‌ها تولید و تأمین اطلاعات پایه‌ای برای کار ارزیابی حرفه‌ای است نمی‌تواند در عمل به اعمال سلیقه‌های شخصی یا استفاده از معیارها و ضوابط نامعتبر و غیرهمسان در برآورد ارزش‌های منصفانه منجر و در نهایت به تحریف، عدم امکان اتکا به نتایج و هرج‌ومرج در گزارشگری مالی ختم شود؟

۶. نقش کمبود امکانات فنی و منابع اصلی در پیاده‌سازی مؤثر و گزارشگری با استانداردهای بین‌المللی را چه‌گونه تفسیر می‌کنید؟ مثلاً در حالی که استانداردهای IFRS9، IFRS15، IFRS17 در خصوص ابزارهای مالی و بیمه و درآمد تاکنون ترجمه‌ی رسمی نشده و در اختیار شرکت‌ها قرار نگرفته‌اند، شرکت‌ها و نهادهای مشمول گزارشگری و اجرای ضوابط IFRS چه باید بکنند؟ تکلیف شرکت‌ها چیست؟ چه‌گونه می‌توان بدون دست‌یابی به مأخذ معتبر فارسی انتظار موفقیت در پیاده‌سازی IFRS را داشت؟ نقش این قبیل مشکلات فنی، آموزشی، کمبود منابع و نظایر آن را در پیاده‌سازی

الهام حمیدی:
اجرای مناسب به IFRS، سپری شدن یک دورهی زمانی احتیاج دارد تا شرکت‌ها بتوانند خودشان را با تغییرات تطبیق دهند

بین‌المللی از آسیب‌ها و سوءتفاهم‌های احتمالی مالیاتی در پیاده‌سازی (مؤثر) استانداردهای بین‌المللی گزارشگری چه‌قدر است؟ ماهیت و خصوصیات مشکلات و نارسایی مقررات مالیاتی از چه نوعی هستند؟ آیا نارسایی در محتوای قوانین مالیاتی است؟ یا این که با برخی اصلاحات مالیاتی می‌توان موانع فوق را برطرف کرد؟

۵- گزارشگری بر مبنای ضوابط IFRS با توجه به چارچوب نظری و مفاهیم بنیادی آن و همچنین صراحت استانداردها، دارای یک مرحله‌ی اضافی نسبت به گزارشگری بر مبنای استانداردهای ملی حسابداری است و آن تقویم و برآورد برخی از اقلام ترازنامه به ارزش منصفانه است. پرسش این است که آیا فقدان نظام حرفه‌ای ارزیابی در کشور، مانع بزرگی برای انجام برآوردهای قابل اتکا از ارزش منصفانه و در نتیجه مانع مهمی برای پیاده‌سازی (مؤثر) استانداردهای بین‌المللی نیست؟ آیا فقدان استانداردهای ارزیابی و نبود انجمن‌های حرفه‌ای ارزیابی و نهادهایی

۳- نهادهای و شرکت‌های ثبت‌شده نزد بورس که مشمول مرحله‌ی اول گزارشگری با ضوابط IFRS شده‌اند در حدود ۷۰ و اندی هستند که قرار بود برای سال ۱۳۹۶ و بعد از آن دامنه‌ی شرکت‌های مشمول گزارشگری با استانداردهای بین‌المللی افزایش یابد ولی در عمل شرکت و نهاد جدیدی به فهرست اولیه اضافه نشده است. آیا وجود مشکلات و موانعی در اجرا و پیاده‌سازی IFRS است که منجر به دوراندیشی و احتیاط در اعلام فهرست جدیدی از شرکت‌های مشمول گزارشگری اجباری با استانداردهای بین‌المللی شده است؟ در صورت پاسخ مثبت، این مشکلات از چه جنسی هستند و آن‌ها را چه‌گونه طبقه‌بندی می‌کنید؟ آیا می‌توان این موانع را در دسته موانع ناشی از ضعف و عدم آمادگی شرکت‌ها و موانع و مشکلات ساختاری ناشی از عدم آمادگی در سطح کلان تقسیم کرد؟

۴- تأثیر نارسایی‌های قوانین مالیاتی و احتیاط شرکت‌های مشمول گزارشگری بر اساس استانداردهای



می‌کنید؟

۱۱. فرایند گزارشگری مالی نه با تهیهی صورتهای مالی که با اتمام عملیات حسابرسی و صدور گزارش حسابرِس مستقل خاتمه می‌یابد. با توجه به جایگاه کنونی گزارشهای حسابرسی مؤسسات حسابرسی ایرانی، تکلیف حسابرسی چیست؟ آیا سازوکار فعلی نظام حسابرسی می‌تواند این معضل را حل و فصل کند؟ یا این که به بازنگری و تغییر در مقررات حسابرسی در ایران داریم؟ این تجدیدنظر در چه زمینه‌هایی باید باشد و سمت‌گیری آن چه‌گونه باید باشد چه اقداماتی در این زمینه صورت گرفته یا قرار است صورت بگیرد؟

۱۲. باتوجه به پرسش‌های قبلی و موارد مطرح‌شده در خصوص لزوم تعدیلات و بازنگری در مقررات مالیاتی، لزوم ایجاد یا نوسازی نظام ارزیابی و تدوین استانداردها و ضوابط ارزیابی علمی و حرفه‌ای و همچنین ضرورت تغییر و ارتقای نظام حسابرسی کشور به‌منظور پاسخ به تغییرات فضای گزارشگری مالی از بازار داخلی به بازارهای جهانی به‌عنوان سه عامل

**الهام
حمیدی:
اجرای این
استانداردها
به هر حال
هزینه دارد
و زمانبر
است؛ زیرا
برای مثال،
فرایندهای
حسابداری
و روش‌های
شناخت
درآمد باید
به‌روز شود.
همه موارد
یادشده،
قطعاً مستلزم
برنامه‌ریزی
و مدیریت
مناسب است**

تشکیل شده است. از جمله وظایف این کمیته فراهم کردن زیرساخت‌ها و رفع موانع به‌کارگیری از جمله موانع تعیین ارزش منصفانه و مالیاتی می‌باشد. آیا این کمیته دارای اقتدار قانونی و اجرایی لازم برای رفع مشکلات و موانع مورد اشاره می‌باشد؟ در همین زمینه، دستاوردها و اقدامات عملی کمیتهی راهبری چیست؟

۹. از جمله وظایف کارگروه ارزش منصفانه که زیرنظر کمیتهی راهبری IFRS تشکیل شده، تدوین دستورالعمل‌های لازم در زمینهی ارزیابی و برآورد ارزش منصفانه و اعلام اشکال‌ها و موانع ارزیابی به کمیتهی راهبری است. حاصل کار این کارگروه در زمینه‌های یادشده چیست؟

۱۰. یکی دیگر از کارگروه‌های تشکیل‌شده زیرنظر کمیتهی راهبری IFRS، کارگروه آموزش است که از جمله وظایف آن ارائه‌ی برنامه‌های پیشنهادی برای آموزش IFRS در سطح حرفه و دانشگاه و انجام اقدامات عملی مربوط به آموزش استانداردهاست. میزان موفقیت و کامیابی کارگروه مزبور را در انجام وظایف پیش‌بینی شده چه‌گونه تفسیر

استانداردهای بین‌المللی گزارشگری چه‌گونه ارزیابی می‌کنید؟

۷- براساس جدول زمان‌بندی تهیه‌شده توسط سازمان بورس، اقدامات مربوط به شروع و پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی از سه‌ماهه‌ی سوم سال ۱۳۹۴ با تشکیل کمیته‌ی فنی و تخصصی و تشکیل کمیته‌ی ارزش‌های منصفانه و گروه‌های کارشناسی آغاز شد و با ترجمه‌ی تخصصی استانداردها تا پایان بهار ۱۳۹۵ ادامه یافته و بالاخره در سه‌ماهه‌ی آخر سال ۱۳۹۵ با رفع موانع قانونی به‌کارگیری IFRS و آموزش استانداردهای بین‌المللی خاتمه می‌یافت؟ ارزیابی شما از این جدول و میزان تحقق برنامه‌ها چه به لحاظ کیفی و چه به لحاظ زمانی چیست؟ عمده‌ترین دلایل انحراف از برنامه کدام است؟

۸. کمیته‌ی راهبری IFRS در مردادماه سال ۱۳۹۴ برای برنامه‌ریزی، شناخت و رفع مسایل و چالش‌ها و اجرای مناسب پروژه‌های پیاده‌سازی IFRS با هدایت سازمان بورس و عضویت سازمان‌ها و نهادهای مختلف نظیر وزارت اقتصاد، سازمان امور مالیاتی، سازمان حسابرسی و جامعه‌ی حسابداران رسمی و دیگران



بر فهرست حساب‌ها، صورت‌های تطبیق مورد نیاز، منابع داده‌ها، نحوه جمع‌آوری داده‌ها و کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارش‌گیری مالی اثرگذار است و شما ناچارید برای همگامی با این تغییرات فناوری اطلاعات خود را به‌روز کنید. تأثیر بعدی پذیرش IFRS بر فعالیت‌های تجاری شرکت‌ها است؛ شرکت‌ها مجبور هستند معیارهای اندازه‌گیری فعالیت‌های تجاری و گزارش‌گیری مدیریت داخلی را مجدداً ارزیابی کنند و حتی ممکن است قراردادهای و توافقاتی آن‌ها تحت تأثیر گذار به IFRS قرار گیرد. مورد بعدی که از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است بحث آموزش است. فرایند تغییر تنها از طریق آموزش امکان‌پذیر می‌شود. دوره‌های آموزشی باید برای کارکنان مالی و غیرمالی، اعضای هیأت‌مدیره و مدیران اجرایی شرکت‌ها برگزار شود تا بتوانند با درک صحیح اطلاعات مبتنی بر IFRS و علاقه‌مندی بیش‌تر، از اجرای این استانداردها حمایت کنند. عدم آشنایی

ساختاری و بنیادی پروژه‌ی پیاده‌سازی IFRS، که تغییر و تحول و ارتقای هیچ‌کدام نه فقط در حیطه‌ی اختیار، اقتدار و صلاحیت‌های قانونی سازمان بورس و سازمان حسابرسی نیست بلکه بعضی از آن‌ها در سطحی فراتر از صلاحیت‌های دولت (نظیر اصلاح قانون مالیاتی) قرار دارند، آیا می‌توان نتیجه گرفت اساساً قبول و پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی، پروژه‌ای ملی در سطح نهادها و مراجع تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر کلان نظیر مجلس و دولت بوده و برای رفع معضلات بنیادی آن نیز بایستی از همین سطح اقدام کرد؟

ح‌پژ

ضمن تشکر از همکاران ارجمندی که در جلسه حضور پیدا کرده‌اند، درخواست می‌کنیم هریک از حاضران نخست دیدگاه‌های خود را درباره‌ی مسایل محوری بحث مطرح کنند و در دور دوم باتوجه به مجموعه مباحث مطرح‌شده توضیحات تکمیلی، نقدها و ارزیابی‌ها ارائه شود.

◀ الهام حمیدی:

در حال حاضر دو سال است که از اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گیری مالی در ایران می‌گذرد و تهیه‌ی این صورت‌های مالی در سطح تلفیقی برای شرکت‌های تعیین‌شده توسط سازمان بورس و اوراق بهادار تهران الزامی شده است. این که شرکت‌ها فعلاً در سطح تلفیقی صورت‌های مالی مبتنی بر IFRS را تهیه می‌کنند، موجب شده است فعلاً برخی از چالش‌های قانونی که در آینده با آن‌ها روبرو خواهیم شد، کم‌تر باشد؛ برای مثال در حال حاضر از نظر مالیاتی به بن‌بست نخورده‌ایم؛ چون صورت‌های مالی تلفیقی مبنای اخذ مالیات نیست. اما

گزارش‌های مالی دریافتی مبتنی بر IFRS نشان می‌دهد تعداد شرکت‌های مشمول که این صورت‌های مالی را تهیه کرده‌اند زیاد نیست. بانک‌ها هم که علاقه‌مند به اجرای IFRS بودند، هنوز گزارش مالی مبتنی بر IFRS از آن‌ها ندیده‌ایم.

البته این موضوع هم مطرح است که اجرای مناسب IFRS، به سببی شدن یک دوره‌ی زمانی احتیاج دارد تا شرکت‌ها بتوانند خودشان را با تغییرات تطبیق دهند. تجربه‌ی دیگر کشورها نشان می‌دهد این دوره‌ی زمانی حدوداً دو تا سه سال می‌تواند به طول بینجامد.

پذیرش IFRS فراتر از اجرای صرف استانداردهای حسابداری است و اگر بخواهیم بگوییم IFRS کدام حوزه‌ها را درگیر کرده است، می‌توانیم این حوزه‌ها را به چهار قسمت تقسیم کنیم که البته ما در هر چهار حوزه با چالش‌هایی مواجه هستیم. یک قسمت، مباحث حسابداری و گزارش‌گیری مالی و مالیاتی است که البته فعلاً در حوزه مالیاتی به خاطر پذیرش این استانداردها در سطح صورت‌های مالی تلفیقی مشکل خاصی نداریم. در مورد شرکت‌های مشمول اجرای IFRS که واحد تجاری فرعی ندارند، قاعدتاً باید اخذ مالیات از آن‌ها بر مبنای دفاتر قانونی باشد که مبتنی بر استانداردهای حسابداری ایران است و این موضوع باید مورد توجه قرار گیرد که IFRS فقط برای گزارش‌گیری مالی مورد استفاده قرار گرفته است. حوزه بعدی، تأثیر IFRS بر سیستم‌ها، فناوری و فرایندها است؛ خوشبختانه مبنای تدوین استانداردهای حسابداری ملی، استانداردهای بین‌المللی حسابداری بوده است؛ اما اجرای همزمان چندین استاندارد جدید از جمله ابزارهای مالی، مالیات بر درآمد، و درآمد حاصل از قرارداد با مشتریان و البته تغییرات مستمر و پیوسته در این استانداردها،



فناوری اطلاعات، فرایندهای درون‌سازمانی، فقدان نیروی انسانی متخصص هم برای تهیه و هم برای حسابرسی و نظارت بر آن‌ها و هزینه‌هایی که این گذار دارد، به نظر می‌رسد بهتر بود نهادهای ناظر یا نهادهایی که مجموعه‌ها را به گذار به IFRS الزامی کرده‌اند پیشاپیش بخشی از این چالش‌ها را در نظر می‌گرفتند. آقای سعید محمد علیزاده شما با توجه به حوزه مسئولیت‌تان عملکرد را چه‌گونه ارزیابی می‌کنید؟

◀ **سعید محمد علیزاده:**

امیدوارم در این میزگرد بتوانیم در راستای عملکرد و پیشرفت هر چه بهتر پیاده‌سازی IFRS در کشور همفکری خوبی داشته باشیم چون می‌دانیم پیاده‌سازی این استانداردها در حال حاضر جزو ضروریات است. با توجه به پیچیدگی‌هایی که در روابط اقتصادی کشورها به‌وجود آمده و لزوم افزایش قابلیت مقایسه‌ی صورت‌های مالی قطعاً ما هم باید گزارشگری مالی مشابه سایر کشورهای دنیا داشته باشیم. همه به اهمیت این موضوع پی برده‌اند و خوشبختانه این فرایند از سال ۱۳۸۹ آغاز شده است. این موضوع جزو وظایف و اختیارات سازمان حسابرسی بود و در مجمع سازمان حسابرسی تصویب شد. سازمان حسابرسی یک بخش از آن را تفویض کرد و این اختیار به سازمان بورس داده شد. اجرای آن در فاز اولیه حتی برای ناشران ثبت شده نزد سازمان بورس اجباری نبود. به خاطر اختیاری بودن استقبال زیادی از آن نشد و نهایتاً منجر به این شد که ما در سازمان بورس در آبان‌ماه ۱۳۹۵ طی ابلاغیه‌ای الزام بکارگیری IFRS را اعلام کردیم و دامنه‌ی شمول آن را بانک‌ها، بیمه‌ها و ناشرانی که سرمایه‌ی بالای هزار میلیارد

کافی با استانداردها و عدم درک ضرورت اهمیت پیاده‌سازی IFRS از جمله دلایل روند تقریباً کند اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی است. با توجه به موارد گفته‌شده، بدیهی است اجرای این استانداردها به هر حال هزینه دارد و زمانبر است؛ زیرا برای مثال، فرایندهای حسابداری و روش‌های شناخت درآمد باید به‌روز شود. همه موارد یادشده، قطعاً مستلزم برنامه‌ریزی و مدیریت مناسب است.

ح.ب.ن

بحث‌های خانم دکتر حمیدی اشاره به این مطلب بود که چون تهیه صورت‌های مالی IFRS فعلاً در سطح تلفیقی الزامی است می‌توان قدری از فاصله‌ی عملکرد و برنامه اغماض کرد. اما با توجه به سلسله چالش‌هایی مثل گزارشگری مالی، حسابرسی مالیاتی،

تومان داشتند قرار دادیم. من کمی مشکلاتی را که خانم دکتر حمیدی به آن اشاره کردند تکمیل می‌کنم. ما در ابلاغیه‌ای که دادیم بحث تلفیق را مطرح نکردیم بلکه کلیه شرکت‌هایی که ملزم به تهیه صورت‌های مالی خود طبق IFRS شده‌اند صرف نظر از این که طبق استانداردهای حسابداری ملزم به تهیه صورت‌های مالی تلفیقی باشند یا نباشند، ملزم به تهیه دو مجموعه صورت‌های مالی طبق IFRS و استانداردهای حسابداری ملی هستند. یکی از چالش‌های مهم بحث مالیات‌ها است که خوشبختانه لایحه‌ی اصلاحی پیشنهادی برای حل این موضوع به هیأت دولت رسیده است. لایحه‌ای که به بحث ارزش‌های منصفانه می‌پردازد مشکل انعکاس ارزش‌های منصفانه در صورت‌های IFRS را به نحوی منتفی می‌کند. پی‌گیری ما در این زمینه جدی بوده و و نهایتاً لایحه از طریق وزارت اقتصاد به هیأت دولت رسیده است. متن آن از این قرار است: «افزایش بهای ناشی از تجدید ارزیابی کلیه‌ی دارایی‌های اشخاص حقوقی و همچنین ارزیابی دارایی‌ها به ارزش‌های منصفانه یا ارزش‌های جاری، با رعایت استانداردهای حسابداری ملی یا بین‌المللی گزارشگری مالی که توسط مراجع ذیربط الزامی شده یا می‌شود، مشمول پرداخت مالیات بر درآمد نیست. هزینه کاهش ارزش بهای آن و یا هزینه استهلاک ناشی از تجدید ارزیابی نیز به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی تلقی نمی‌شود. در زمان فروش یا معاوضه دارایی‌های مذکور، مابه‌التفاوت قیمت فروش و مبلغ دفتری بدون اعمال آثار ناشی از تجدید ارزیابی یا ارزیابی صورت گرفته به شرح فوق، به استثنای دارایی‌هایی که مالیات آن‌ها بر اساس مقررات این قانون، حسب مورد بر اساس نرخ جداگانه یا به صورت مقطوع محاسبه می‌شود، در محاسبه درآمد مشمول مالیات منظور



می‌شود.

بانک‌ها، بیمه‌ها و شرکت‌های با دارایی بالای هزار میلیارد تومان آن‌چنان صورت تلفیقی ندارند. چهار شرکتی که خانم دکتر حمیدی به آن اشاره کردند به اطلاع سازمان بورس رسیده است. شرکت‌هایی هم هستند که همین الان در حال طی کردن فرایندهای نهایی برای تهیه صورت‌های مالی هستند. جهت استحضار همین دیروز ما یک نامه پیرو زدیم که شرکت‌هایی را که کار را به‌کندی انجام می‌دهند به صورت جدی وارد کار کنیم. امیدوارم بحث با قوت ادامه پیدا خواهد کرد. این ماده واحده که باید استاندارد ۱۵ را هم پوشش می‌دهد چون مشکل استاندارد ۱۵ هم از سال ۱۳۹۲ همین ماده واحده است و اگر عملیاتی شود استاندارد ۱۵ را هم پوشش می‌دهد. البته در بحث IFRS، تلفیقی و اصلی نداریم و فقط یک صورت مالی تهیه می‌شود.

بحث بعدی که گزارشگری مالی را به‌خصوص در بازار سرمایه به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد بحث ارزش‌گذاری یا ارزش‌یابان هستند که در واقع در بازار سرمایه کم‌ضربه

زده‌اند. البته این موضوع صرفاً به خاطر IFRS نیست. یکی از انتقادهایی که به ما به عنوان مجری وارد می‌شد این بود که ارزش‌یابان، صورت‌های مالی را گمراه‌کننده می‌کنند. این بحث الان هم وجود دارد و با اجرای IFRS فقط ممکن است کمی پررنگ‌تر شود. می‌دانید که الان هم در تجدید ارزیابی دارایی‌ها و در مبادلات درون‌گروهی با همین بحث روبه‌رو هستیم. در ماده ۴۳ قانون بازار این اختیار به سازمان بورس داده شده که در خصوص ارزیابان می‌تواند ورود پیدا کند. نهادهای نظارتی و حاکمیتی باید در خصوص نحوه‌ی شکل‌گیری تشکلهای ارزیاب و ارزش‌گذار تصمیم‌گیری کنند.

ح.ب.تر

تأکید شما بیش‌تر در مورد مشکل مالیاتی بود که امیدواریم برطرف شود.

◀ **مهدی سوادلو:**

به نظر من بیش از این که صورت‌های مالی بر اساس IFRS موجب شفافیت بیش‌تر شود، قابلیت مقایسه را فراهم

**سعید محمد
علیزاده:
یکی از
انتقادهایی
که به ما
به عنوان
مجری وارد
می‌شد این
بود که
ارزش‌یابان،
صورت‌های
مالی را
گمراه‌کننده
می‌کنند.
این بحث
الان هم
وجود دارد
و با اجرای
فقط IFRS
ممکن
است کمی
پررنگ‌تر
شود**

می‌کند و این موضوع به سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی برای اتخاذ تصمیمات آگاهانه‌ی اقتصادی کمک می‌کند. برای مثال ما استفاده از ارزش‌های جاری را در استاندارد حسابداری سرمایه‌گذاری‌ها داریم ولی اجرای آن اختیاری است در حالی که در استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تعیین ارزش منصفانه الزام دارد.

یکی از موضوعات مهم شرکت‌هایی که می‌خواهند صورت‌های مالی بر مبنای IFRS تهیه و ارائه کنند تعیین ارزش منصفانه‌ی دارایی‌ها و بدهی‌هاست. به دلیل شرایط اقتصادی و عدم وجود بازار کار، وضعیت تورمی، فقدان کارشناسان تخصصی در زمینه‌ی هر صنعت به اندازه‌ی کافی به‌ویژه در حوزه‌هایی چون صنعت بیمه و بانک، ابزارهای مالی نظیر صکوک و قراردادهای آینده، کار ارزیابی دارایی‌ها و بدهی‌ها پیچیده‌تر می‌شود. به‌هرحال طیف گسترده‌ای از ذی‌نفعان و استفاده‌کنندگان بالفعل و بالقوه وجود دارند که می‌خواهند از صورت‌های مالی تهیه‌شده براساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی استفاده کنند،



انجام داده است، لکن لازم است همه‌ی جوانب کار به طور دقیق کارشناسی شود و موانع قانونی برطرف شود تا شرکت‌ها ابهام مالیاتی نداشته باشند و لازم است شرکت‌ها و سهام‌داران آنان از عدم وجود ضرری در پیاده‌سازی IFRS بر دارایی‌های‌شان اطمینان خاطر داشته باشند. به عبارت دیگر قوانین اصلاحی تفکیک سازمان امور مالیاتی را در رسیدگی مالیاتی به حساب‌های اینگونه شرکت‌ها کاملاً مشخص کرده باشد.

«ناصر رزاق»:

قبل از این که ببینیم IFRS اصلاً خوب است یا بد، باید چارچوب‌ها را بررسی کنیم. یک بحث که مطرح می‌شود بحث سرمایه‌گذاری خارجی است. ما الان در شرایط خاص بعد از برجام هستیم. بنابراین فکر نمی‌کنم با اجرای IFRS اتفاق خاصی در این حوزه بیفتد چون علاوه بر بحث شفافیت اطلاعات در گزارشگری مالی، شفافیت امنیت اجتماعی و امنیت سرمایه‌گذاری، میران فساد و اطمینان از بازده و بازگشت سرمایه‌گذاری نیز مطرح است. امنیت

مهدی سوادلو:
لازم است سازمان بورس با استفاده از امکانات حرفه‌ی حسابرسی کشور برای آموزش هیأت‌مدیره، شرکت‌های بورسی، مدیران مالی و کادرهای ارشد بخش مالی شرکت‌ها اقدام کند و کارگروه‌های آموزش برگزار کند

حسابرسی داریم، عمدتاً تأکیدشان برای برگزاری کارگروه‌های عملی آموزش تهیه صورت‌های مالی بر مبنای IFRS است که می‌بایستی به این موضوع توجه بیشتری شود. کار دیگری که در حال حاضر می‌تواند به آموزش عملی کمک کند، برگزاری دوره‌های آموزشی که در آن صورت‌های مالی چند شرکتی که در سال گذشته صورت‌های مالی بر مبنای IFRS ارائه و منتشر کرده‌اند با حضور تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی مذکور و کسانی است که به نوعی با تهیه‌ی صورت‌های مالی آنان درگیر بوده‌اند که خود یک انتقال تجربه‌ی عملی خواهد بود.

یکی از چالش‌های جدی دیگر در موضوع پیاده‌سازی IFRS، عدم هماهنگی قانون مالیات‌های مستقیم با روح حاکم بر استانداردهای بین‌المللی در کاربرد ارزش منصفانه و تجدید ارزیابی دارایی‌ها فارغ از مقررات ماده ۱۴۹ قانون مالیات‌های مستقیم و تبصره‌ی قانون بودجه است. هرچند راجع به بحث ارزش منصفانه و نگرانی‌های مالیاتی در خصوص ارزیابی دارایی‌ها و بدهی‌ها، سازمان بورس اقدامات خوبی را

لذا نقش مهم سازمان بورس به‌عنوان نهاد ناظر بازار سرمایه، هیأت مدیره شرکت‌ها به‌عنوان تهیه‌کنندگان و ارائه‌کنندگان صورت‌های مالی و حساب‌رسان به‌عنوان کسانی که نسبت به صورت‌های مالی اظهارنظر می‌کنند و موجب اعتباردهی بیش‌تر به صورت‌های مالی می‌شوند، آشکار می‌شود. افزون بر این‌ها نقش ارزیابان نیز برجسته می‌گردد.

در این زمینه لازم است سازمان بورس با استفاده از امکانات حرفه‌ی حسابرسی کشور برای آموزش هیأت‌مدیره، شرکت‌های بورسی، مدیران مالی و کادرهای ارشد بخش مالی شرکت‌ها اقدام کند و کارگروه‌های آموزش برگزار کند تا علاوه بر آشنایی و آموزش، وجوه اختلاف و تفاوت‌های اساسی صورت‌های مالی بر اساس IFRS و استانداردهای ملی مشخص گردد و نیز مزایای تهیه صورت‌های مالی بر اساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری نیز تبیین شود. در مبحث آموزش به حساب‌رسان و حسابداران رسمی خوشبختانه کلاس‌های آموزشی مناسبی برگزار شده است که البته بیش‌تر جنبه‌ی تئوری داشته است و با ارتباطی که با موسسات



از استانداردها ما هیچ تجربه‌ای نداریم. مثلاً ابزارهای مالی را در ایران کسی کار نکرده است. در بحث ارزش‌های منصفانه که این‌قدر مطرح می‌کنیم پایه‌ها به طور اساسی خراب است یعنی ما نه ارزیاب استاندارد داریم، نه استانداردهای ارزیابی، نه گزارشگری ارزیابی استاندارد، و نه آیین رفتار حرفه‌ای ارزیابی. خوب هیچی نداریم و می‌خواهیم موضوعی را اجرایی کنیم. اصلاً نشدنی است. ارزیابی در حالت فعلی هیچ پایه‌ای ندارد و اصلاً نمی‌شود روی آن قسم خورد. اگر قرار است من از ارزش‌های منصفانه استفاده کنم چه‌گونه باید عمل کنم؟ ما باید در دوره‌ی گذار یک برنامه (CPM) داشته باشیم که بگوییم ظرف سه سال یا پنج سال قرار است این کارها را انجام دهیم و مشخص و شفاف به همه اعلام کنیم. آموزش در چه زمینه‌ای و به چه کسانی قرار است داده شود؟ استاندار ارزیابی را قرار است چه کنیم؟ به چه صورت و در چه زمانی؟ تهیه‌ی صورت‌های مالی چگونه است؟ و... همه‌ی این موارد باید مطرح شود و کمیته‌های مشترکی از سازمان حسابرسی، جامعه‌ی حسابداران، بورس و همه‌ی نهادهای ذی‌ربط تشکیل شود و در این چارچوب جلو برود تا به هدف مشترک و مورد نظر برسیم.

◀ ناصر محامی:

به عنوان یک گزارش فشرده و یک تفسیر کلی از نتایج دو سال اول اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بایستی عرض بکنم که هدف اصلی از پذیرش IFRS این است که نوع گزارشگری مالی ما با دنیا یکی شود و ما بتوانیم وارد بازارهای مالی جهانی بشویم و بتوانیم با فرض نبود مشکلات دیگر که جناب ناصر رزاق هم به آن‌ها اشاره کردند، برای صنایع و شرکت‌های مان منابع مالی و سرمایه بدست آوریم چرا که، بخشی از مشکلات ما همیشه مساله تأمین سرمایه بوده است. خوب

سرمایه‌گذاری شرایط خاص خود را می‌طلبد، عدم تصدی‌گری و دخالت دولت در برخی امور را می‌طلبد، تغییر نرخ بهره و نرخ ارز دست دولت است و از بازار تبعیت نمی‌کند و ...

اگر هدف‌مان سرمایه‌گذاری خارجی باشد و بخواهیم گزارشگری مالی بر مبنای IFRS داشته باشیم با این شرایط فکر نمی‌کنم هر چه هم تلاش کنیم به نتیجه برسیم. اما به هر حال گفته‌ایم دلایل و مزایایی دارد از جمله سرمایه‌گذاری خارجی پس وارزش شویم. کسی هم مخالفتی ندارد و باید به سمت استانداردهای بین‌المللی برویم. ظاهراً دیدگاه جامعه‌ی حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی نیز از ابتدا همین بوده است. وقتی استانداردهای ملی را ملاحظه می‌کنیم مبنای هم‌اکنون استانداردهای بین‌المللی بوده یعنی به نظرم فکر خوبی شده که مبنای استانداردهای بین‌المللی گذاشته‌اند. ولی در ادامه به دنبالش نرفته‌اند. هر تغییری که در استانداردهای بین‌المللی اتفاق می‌افتد در استانداردهای ملی ما هم باید اتفاق بیفتد تجدید نظر در استانداردها باید بلافاصله اتفاق بیافتد نه با تاخیر قابل ملاحظه. ترجمه‌ها باید بلافاصله بیاید. تا وقتی من به‌عنوان حسابرر اطلاعات پایه را نداشته باشم بر مبنای چه چیزی می‌خواهم شروع کنم؟

ما در سال ۱۳۹۵ بحث IFRS را به‌طور جدی شروع کردیم ولی به نظر می‌رسد برنامه مدونی از A تا Z نداشته‌ایم. برنامه‌ریزی دوران گذار باید کاملاً مدون باشد. همان‌طور که آقای سوادلو فرمودند آموزش داده شده، کلاس‌های متعدد برگزار شده و ترجمه‌های استاندارد های بین‌المللی و تفاسیر مربوطه اواخر سال قبل از طریق سازمان حسابرری منتشر شده، ولی دوره‌های کارگاهی مناسب که من حسابدار بتوانم مطلع شوم و تجربه کنم تاکنون نداشته‌ایم. در مورد برخی

قدم اول ایجاد زبان مشترک است که با گزارشگری مالی بر مبنای یکسان حاصل می‌شود. البته با فرض این‌که بقیه‌ی مسائلی که اشاره شد مثل امنیت سرمایه، شفافیت و ثبات اقتصادی و سیاسی و ... حل شود. از سال ۱۳۹۵ که گزارشگری بر این مبنای و بر اساس یک چارچوب مشخص از طرف سازمان بورس (و البته سازمان حسابرری) الزامی شد مطابق شواهد و اطلاعات فعلی، عملاً تنها چهار شرکت این کار را کرده‌اند. سال ۱۳۹۵ حدود ۷۸ شرکت ملزم به ارائه‌ی اطلاعات مالی براساس IFRS بودند سال ۱۳۹۶ چیزی به فهرست آن‌ها اضافه نشد و الان هم که در ۱۳۹۷ هستیم لیست همان لیست اولیه است. آقای سعید محمد علیزاده هم فرمودند احتمالاً مشکلاتی وجود داشته که هم نتوانستیم تعداد شرکت‌ها را زیاد کنیم و هم به گزارش‌هایی که بر مبنای IFRS تهیه می‌شود دسترسی داشته باشیم. بنابراین به نظر من این پروژه به مشکل



برخورده است. مشکلات این پروژه را از نظر متدولوژی تحلیل باید به دو سطح تقسیم کرد. یکی مشکلاتی که در سطح میکرو و خرد وجود دارد مثل مسأله‌ی آموزش در بخش کارکنان واحدها و همینطور مؤسسات حسابرسی، داشتن یا نداشتن یا کمبود ابزارهایی که برای کار لازم است مثل نرم‌افزارهای مختلف و ... یکی هم مشکلات ماکرو و کلان است که مربوط به سطح اجرا و شرکت‌ها نیست و همان‌طور که برخی دوستان هم اشاره کردند مسائلی است که از حوزه‌ی اختیار و نفوذ شرکت‌ها به کلی خارج است. مثل نگرانی‌های مالیاتی و نگرانی‌های ناشی از تحریف صورت‌های مالی به خاطر نداشتن استانداردهای ارزیابی و نظام حرفه‌ای ارزیابی. از این رو همه‌ی این مسائل دست به دست هم داده تا پروژه‌ای که از سال ۱۳۹۵ اجرای آن را کلید زدیم نتواند به موفقیت لازم دست پیدا کند.

دوستان مسأله را از زوایای مختلف بررسی کردند و نظر کارشناسی خود را گفتند که چرا به‌طور نسبی میزان موفقیت و گذار به IFRS کافی نبوده و بسیار کم‌تر از سطح انتظاری بوده که دست‌کم در برنامه‌های اولیه پیش‌بینی شده بود. محیط کلان نامساعد، مسائل خاص مالیاتی، مسائل مربوط به ارزش‌یابی و در کنار آن‌ها مسائل آموزشی و فناوری، نیروی کار ماهر و ... مورد تأکید قرار گرفت. در قسمت دوم هم اگر نگاه‌های انتقادی نسبت به نظرات کارشناسی سایر حاضران دارید اعلام بفرمایید و هم راه‌کارهای برون‌رفت از مشکلات کنونی را توضیح دهید. اگر موافقیم که گذار به IFRS لازم است، این گذار باید از چه مسیری طی شود که بیش‌ترین بازدهی و کمترین هزینه را داشته باشد و درس‌های ناکامی نسبی یکی دو سال گذشته هم در آن لحاظ شود؟

◀ الهام حمیدی:

این سؤال مطرح شد که چرا IFRS باعث شفافیت می‌شود. مأموریت IFRS، گزارشگری طبق استانداردهای بین‌المللی و ایجاد پل ارتباطی با سایر نقاط دنیا است. IFRS قابلیت مقایسه را افزایش می‌دهد و اگر درست اجرا شود قطعاً باعث شفافیت بیش‌تری می‌شود. من مثالی خدمت شما عرض می‌کنم؛ استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۸ با عنوان قسمت‌های عملیاتی، استاندارد خاصی است و گزارشگری درون‌سازمانی

را مبنای گزارشگری طبق IFRS قرار می‌دهد و به این ترتیب نگرش مدیریت شرکت و اطلاعات مورد استفاده او در اتخاذ تصمیمات، به بیرون از شرکت انتقال پیدا می‌کند یا استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۷ با عنوان ابزارهای مالی: افشا، بحث افشای ریسک‌ها را مطرح کرده است. به‌طور کلی، تمرکز استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر ریسک و عدم اطمینان است و گزارشگری مالی مبتنی بر IFRS، باید اثر مثبت بر مدیریت فعال ریسک داشته باشد. بنابراین IFRS اگر خوب اجرا شود قطعاً اطلاعات سودمندی در اختیار استفاده‌کننده قرار می‌دهد. ضمن این‌که این استانداردها مبتنی بر اصول هستند و این ویژگی را دارند که دائماً با تغییراتی که در محیط اقتصادی رخ می‌دهد به‌روز می‌شوند و تغییر می‌کنند و به دلیل تأکید آن‌ها بر رجحان محتوا بر شکل، این توانایی را دارند که معاملات پیچیده‌ی امروز را به‌خوبی منعکس کنند. امروزه معامله‌هایی انجام می‌شود که شکل معامله کاملاً با محتوایش متفاوت است؛ برای مثال شکل معامله فروش است اما محتوای تأمین مالی دارد. این استانداردها در گزارشگری کاملاً بر محتوای معاملات تأکید می‌کنند. این تأکید و این رویکرد باعث می‌شود که به‌درستی رویدادهای واقع‌شده را گزارش کنید.

موضوع دیگری که دوستان به آن اشاره فرمودند، در خصوص بازنگری در استانداردهای حسابداری ایران است. یکی از پروژه‌هایی که سازمان حسابرسی آن را پیش می‌برد، کاهش فاصله‌ی استانداردهای حسابداری ملی و بین‌المللی است. در همین راستا، پیش‌نویس ۷ استاندارد حسابداری توسط سازمان حسابرسی برای نظرخواهی منتشر شده است که نظرخواهی ۶ استاندارد به اتمام رسیده و نظرات گردآوری و اعمال شده است. همچنین، راهنماهای بکارگیری



استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی که توسط سازمان حسابرسی به منظور کمک به به‌کارگیری IFRS منتشر می‌شود، از جمله مطالب آموزشی موجود در این زمینه است.

در خصوص راهکارهای برون‌رفت از این شرایط نکته‌ای که وجود دارد این است که شرکت‌ها باید استانداردهای حسابداری ملی را به‌طور دقیق با استانداردهای بین‌المللی مقایسه کنند تا به‌طور کامل پی ببرند که چه رویه‌هایی قرار است تغییر کند. وقتی درک شود که چه چیزی قرار است تغییر کند، بهتر می‌توان برای آن برنامه‌ریزی کرد. اگر کسانی که در رأس شرکت‌ها هستند پی به اهمیت این استانداردها ببرند، قطعاً برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند و این امر مستلزم آموزش است.

◀ سعید محمد علیزاده:

من چند نکته‌ی تکمیلی در ادامه‌ی صحبت دوستان عرض می‌کنم. یک بحث را آقای رزاق مطرح فرمودند که عقب بودن ترجمه‌ها بود. از ما هم پرسیده می‌شود که چرا برخی استانداردها ترجمه نشده است. من تاریخ اجرای

استانداردها را همراه خود آورده‌ام. IFRS شماره ۹ از ۲۰۱۸/۱/۱ قرار است اجرایی شود که می‌شود صورت‌های مالی ۱۳۹۷ ما. یعنی تقریباً یک سال بعد قرار است گزارش شود. IFRS شماره ۱۵ از ۲۰۱۸/۱/۱، IFRS IFRS شماره ۱۷ از ۲۰۲۱/۱/۱ و IFRS شماره ۱۶ از ۲۰۱۹/۱/۱ اجرایی می‌شوند. لذا ترجمه همه‌ی استانداردهایی که الان باید در گزارشگری مالی ما استفاده شود وجود دارد و زحماتش را سازمان حسابرسی کشیده است. من برمی‌گردم به بحث بعدی که بحث آموزش است. در برخی نکات موافق بحث دوستانم و در جاهایی اختلاف‌نظر دارم. ما IFRS را تبدیل به غولی کرده‌ایم که همه از آن می‌ترسیم ولی در واقعیت امر این قدر هم پیچیده نیست. چون مبنای استانداردهای فعلی ما استانداردهای بین‌المللی است. باز برمی‌گردیم به مالیات و ارزش منصفانه که واقعاً موضوعات مهمی هستند و باید به آن‌ها پرداخت. در بحث آموزش ما ناشران را هم در نظر گرفتیم و دعوت شدند و آموزش‌هایی ارائه شد و رضایت نسبی هم وجود داشت. اگر سایت سازمان را مطالعه کنید بسیاری

ناصر محامی:
مسائلی است که از حوزه‌ی اختیار و نفوذ شرکت‌ها به‌کلّی خارج است. مثل نگرانی‌های مالیاتی و نگرانی‌های ناشی از تحریف صورت‌های مالی به‌خاطر نداشتن استانداردهای ارزیابی و نظام حرفه‌ای ارزیابی

از نگرانی‌ها برطرف می‌شود. صورت‌های مالی نمونه طبق IFRS، مقایسه استانداردهای حسابداری ملی با IFRS در راستای کمک به شرکت‌ها و حساب‌رسان در اجرای IFRS و صورت‌های مالی نمونه برای شرکت‌های پذیرنده IFRS برای نخستین بار در کمیته‌ی استانداردها و آموزش سازمان بورس تهیه و در حال حاضر روی سایت سازمان بورس وجود دارد (ifrs.seo.ir) برخی واقعاً استفاده کرده‌اند و به ما هم بازخورد داده‌اند. ولی بعضی نگاه هم نکرده‌اند. به نظر من در آموزش فقط بحث ترس وجود دارد و گرنه آموزش به حد کافی برای حساب‌رسان و حسابداران وجود دارد. از باب آموزش آن‌چنان عقب نیستیم. موافق نیستم که پروژه شکست خورده و با کلمه‌ی شکست موافق نیست. ناشران از برنامه یک مقدار عقب‌تر هستند ولی الان در مورد بسیاری از ناشران پروژه تعریف شده و در انتهای آن هستند و این‌طور نیست که بگوییم تعداد فقط همین چهار شرکت هستند. الان بالای ۲۰ شرکت کار را تقریباً به جای خوبی رسانده‌اند و فقط به گزارشگری منتج نشده است. ما



هم در سازمان به جد پی گیر هستیم. در سازمان حسابرسی هم کمیته‌ی عالی با حضور مسئولان سازمان بورس و سازمان حسابرسی تشکیل شده و مشخص شده از باب تکنیکی و فنی هر جا لازم شد ما به سازمان حسابرسی ارجاع دهیم و هر جا لازم باشد مساعدت کنند. پس پروژه شکست نخورده و فقط عقب‌تر از زمان‌بندی است. از نظر مالیاتی هم که آن نگرانی وجود داشت به جای خوبی رسیدیم و لایحه به هیأت دولت رسیده است.

در بحث کمیته‌ها، به جز کمیته‌ی عالی سه کمیته تشکیل شده بود. یکی کمیته‌ی فنی و تخصصی، یکی کمیته‌ی آموزش و یکی کمیته‌ی ارزش‌های منصفانه. ذی‌نفعان اگر به سایت سازمان مراجعه کنند همه‌ی این موارد ملاحظه می‌کنند و نظرات‌شان را هم می‌توانند اعلام کنند و ما هم در سازمان بورس پی‌گیر موضوع هستیم. کار این کمیته‌ها در قالب کمیته استانداردها و آموزش سازمان پیگیری شد و منجر به تهیه صورت‌های مالی نمونه طبق IFRS و مقایسه استانداردهای حسابداری ملی با بین‌المللی شد. موضوع دیگری که

دوستان مطرح کردند بحث عدم توانایی شرکت‌هاست. این مورد در کمیته‌ها مطرح شد. وقتی می‌گوییم بیمه و بانک نهاد تخصصی هستند انتظار داریم تیم مالی آن‌ها هم واقعاً متخصص باشد. ناشری که بالای هزار میلیارد تومان دارایی‌اش است مشخص است که واقعاً باید دارای گروه مالی متخصص باشد و انتظار داریم ضعف نداشته باشد. خوشبختانه شرکت‌هایی که با آن‌ها ارتباط داشتیم پرسنل خوبی داشتند.

◀ مهدی سوادلو:

در مورد بحث شفافیت مثالی می‌زنم، ما در صورت‌های مالی نمونه یا در حساب‌های دریافتنی می‌گوییم مثلاً اطلاعات مربوط به ریسک وجود ندارد، خب در صورت‌های مالی نمونه بگذاریم، اتفاقی که نمی‌افتد و ایرادی ندارد. حساب‌های دریافتنی را بر حسب مبالغ طبقه‌بندی نکنیم، باز هم اتفاقی نمی‌افتد. راجع به بحث آموزش هم عرض کردم که کمبود در بخش کارگاه‌های آموزشی بوده است. در بحث تئوری خوب بوده ولی اتفاقاً باید کارگاه‌هایی بگذاریم که نگرانی

مهدی سوادلو:
انجام و اجرای تعیین ارزش منصفانه کار ساده‌ای نیست
بیش‌تر به خاطر شرایط تورمی که در کشور وجود دارد، فارغ از مشکلات دیگر همین یکی کافی است و مشکل بزرگی است و باید فکری به حال آن کنیم. من فکر می‌کنم لازم است حتماً یک برنامه‌ریزی دقیق انجام شود. الزام بورس هم خیلی خوب است ولی در کنارش کمک سازمان بورس به ناشران و انتقال این بحث لازم است که بالاخره حرکت به این سمت

همه از بین برود. الان ما در مؤسسات حسابرسی هم که صحبت می‌کنیم خیلی از حسابداران رسمی می‌گویند در کلاس‌ها هم شرکت کرده‌ایم و تئوری‌ها را خوب یاد گرفته‌ایم ولی حتماً لازم است که کارگاه‌های آموزشی برگزار شود که هم حسابداران رسمی و هم بخش‌های اجرایی کار آموزش ببینند. راجع به بحث ارزش منصفانه و نگرانی‌های مالیاتی بالاخره تعامل سازمان بورس با بخش‌های مختلف دولت مثل سازمان مالیاتی و کانون کارشناسان در خور توجه بوده است. انجمن تخصصی تعیین ارزش منصفانه تشکیل شد و افراد کارشناسی در آن حاضر بودند. انجام و اجرای تعیین ارزش منصفانه کار ساده‌ای نیست بیش‌تر به خاطر شرایط تورمی که در کشور وجود دارد. فارغ از مشکلات دیگر همین یکی کافی است و مشکل بزرگی است و باید فکری به حال آن کنیم. من فکر می‌کنم لازم است حتماً یک برنامه‌ریزی دقیق انجام شود. الزام بورس هم خیلی خوب است ولی در کنارش کمک سازمان بورس به ناشران و انتقال این بحث لازم است که بالاخره حرکت به این سمت



که همه‌ی دوستان اشاره کردند و من نمی‌دانم چه‌گونه قرار است حل شود. بحث استانداردهای ارزیابی بسیار مهم است. ما اصلاً باید ارزیاب‌های استاندارد داشته باشیم و استانداردهای ارزیابی و گزارش استاندارد ارزیابی داشته باشیم. تسلط حسابرسان و حسابداران و مدیران شرکت‌ها هم کم است. نرم‌افزارهای مناسب برای به کارگیری IFRS هم در حال حاضر نداریم.

قبول دارم که ترجمه‌ها انجام شده و در سال ۹۶ منتشر شده‌اند ولی زمان لازم را برای به کارگیری باید در اختیار داشته باشیم، خود IFRS پس از انتشار یک استاندارد مدت زیادی، مثلاً چند سال زمان برای لازم‌الاجرا شدن آن پیش‌بینی می‌کند، به نظرم ما هم که استفاده‌کننده هستیم پس از ترجمه کامل استانداردها لازم است زمان مناسب جهت اجرایی شدن آن در نظر بگیریم نه این که قبل از هر گونه ترجمه استاندارد و آشنایی کامل استفاده‌کنندگان و ذی‌نفعان ابلاغ و اجبار داشته باشیم. در حال حاضر آیا تعریف مشخصی از شرکت‌های کوچک و متوسط داریم؟ آیا در خصوص شرکت‌های کوچک و متوسط SMEها ترجمه شده‌اند؟ زیرساخت‌های لازم باید در شرکت‌های مشمول دیده شود. آموزش تئوری و کارگاهی واقعاً هر دو لازم است. این‌ها هم مشکلات است و هم راهکارهای برون‌رفت. بحثی که آقای سعیدمحمد علیزاده در مورد دو صورت مالی فرمودند به نظر من یک چالش اساسی به وجود می‌آورد. نا مشخص بودن برخورد ذی‌نفعان در رابطه با تفاوت‌های موجود در گزارشگری مالی بر مبنای استانداردهای ملی و IFRS چه‌گونه حل می‌شود و قرار است کدام یک را در نظر بگیریم؟ چون ظاهراً قرار است هر دو انتشار عمومی پیدا کند. اگر قرار است انتشار عمومی پیدا کند دو صورت مالی متفاوت داریم. کدام یک ملاک عمل است؟ در ابلاغیه‌ی

برای شما هم منافع دارد و شما را به بازارهای بین‌المللی هدایت می‌کند. هر دو لازم است و فقط الزام کافی نیست.

◀ سعید محمد علیزاده:

بحثی که در اجرا دیده شده ارایه همزمان دو مجموعه صورت مالی تا مقطعی است که فعلاً مشخص نشده است. اگر تحریفی اتفاق افتاده باشد یا اندازه‌گیری‌ها و بحث‌های ارزیابی مشکل داشته باشد هرچند در بازار سرمایه مؤثر است ولی تا حدی مؤثر است و موازی بودن دو مجموعه صورت مالی تا مدتی بخشی از نگرانی را از بین می‌برد. بحث بعدی این است که وقتی کار یک نفر در معرض دید عموم قرار گرفت خودبه‌خود بازخورد می‌گیرد. همین الان مثلاً حسابرسی صورت‌های مالی تلفیقی ما چه‌قدر قابلیت اتکا دارد؟ هنوز هم ضعف‌هایی در این زمینه داریم. در بحث تهیه صورت جریان وجوه نقد هم ضعف‌هایی دیده می‌شود. خود کارشناسان وقتی ارزیابی‌هایشان می‌آید و بازخورد از بازار و اقتصاد و کارشناسان مالی و اقتصادی می‌گیرند با احتیاط بیشتر کار می‌کنند و بهبود ساختار و استاندارد کردن آن بیش‌تر اتفاق می‌افتد. این حس در سازمان هم وجود دارد. همین که اطلاعات کم‌کم بیاید و متولیان امر بازخوردها را بگیرند نوعی اصلاح عملکرد اتفاق می‌افتد. بخشی از نگرانی بعد از این که اطلاعات شرکت‌های فعلی روی کدال افشا شود از بین می‌رود به شرط این که نگرانی مالیاتی را پوشش دهیم.

◀ ناصر رزاق:

بحث راهکار و برون‌رفت مطرح شد. به نظرم اول باید مشکلات را بگوییم بعد راهکارهای برون‌رفت را ذکر کنیم. مسائل دیگری هم مطرح است که باید در مورد آن‌ها فکر شود. مهم‌ترین مسأله همان بحث ارزش‌های منصفانه است

آخر سازمان بورس و اوراق بهادار مطرح شده که ملاک مجامع، صورت‌های مالی تهیه شده بر مبنای استاندارد های ملی است، حال ولی اگر هر دو صورت مالی انتشار عمومی پیدا کند هر ذی‌نفعی که به سایت مراجعه کند با دو گزارش روبرو می‌شود که برای من کمی جای سؤال دارد که قرار است کدام صورت مالی ملاک قرار گیرد. آثاری بر EPS چه‌خواهد بود؟ مشخص نیست. به نظرم قضیه باید از ابعاد گوناگون مالی، حقوقی، فنی و قانونی آسیب‌شناسی شود و بعد بر مبنای آن تصمیم بگیریم. اکثر حسابرس‌ها و حسابداران و مدیران ما در کشور با بحث فناوری اطلاعات بیگانه‌اند. IFRS مستلزم استفاده از فناوری اطلاعات به نحو مناسب است و ما عملاً در آن ایراد داریم. مثلاً با استفاده از ابزار اکسل به نظر می‌رسد با مشکل مواجه شویم. بحث تأثیر مداخلات دولت هم مطرح است که فکر می‌کنم در گزارشگری مالی بی‌اثر



نیست. در تبدیل اطلاعات از سیستم فعلی به IFRS با چالش مواجه می‌شویم و شاهد مقاومت شرکت‌ها در برابر IFRS حداقل از نظر افشا در گزارشگری مالی خواهیم بود. همین الان در خصوص افشاء و شفافیت مشکلات خاصی داریم. به همین دلیل فکر می‌کنم در بحث ایجاد شفافیت نتوانیم راحت با شرکت‌ها کنار بیاییم. بحث اجرا و تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت هم مطرح است. طبیعتاً ارزش‌های منصفانه‌ای هم که استفاده می‌شود غیرقابل اتکا است.

در بحث ریسک و سایر شفافیت‌ها قطعاً با مشکل مواجه می‌شویم و کار به این سادگی نیست. منابع فارسی نداریم و همه هم تسلط به زبان انگلیسی ندارند. در مورد شرکت‌های فرعی مرتبط با ۷۸ شرکتی که قرار است صورت‌های مالی بر مبنای IFRS تهیه کنند حدوداً ۵۰۰-۴۰۰ شرکت فرعی وجود دارد. به نظر من اگر قرار است فقط گزارشگری کنیم و دفاتر مهم نیست باز هم صورت‌های

مالی شرکت‌های فرعی هم عیناً باید به در چارچوب IFRS در بیایند. بنابراین ما با ۷۸ شرکت مواجه نیستیم و حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ شرکت را مشمول کرده‌ایم که مسأله‌ساز است، ضمن این که برای هر شرکت تنظیم اطلاعات مقایسه‌ای و وجود اطلاعات قابل اتکاء در این مورد، هم بایستی مد نظر قرار گیرد. چالش‌های مالیاتی را هم داریم. مثلاً در بحث تفاوت‌های موقتی و دائمی مالیات‌ها و IAS12 به دلیل عدم آشنایی کارشناسان مالیاتی با موضوعات استاندارد مزبور مشکل خواهیم داشت برای مثال طبق IAS12 ممکن است به دلیل درآمد مالیات انتقالی، در سال جاری به جای هزینه مالیات، درآمد مالیات داشته باشیم که قبول چنین موضوعی از نظر کارشناسان مالیاتی بعید به نظر می‌رسد. اگر IAS12 مصوب هم بشود و قانون وجود نداشته باشد دوباره سرنوشت استاندارد حسابداری ۱۵ را پیدا می‌کند. در بحث استهلاک، تجدید ارزیابی دارایی و بدهی‌های انتقالی مالیاتی، زبان ناشی از مالیات، سودهای افزایش سرمایه‌گذاری‌ها، ارزش‌های باقیمانده و... هم احتمالاً مشکل خواهیم داشت. ابتدا باید این مسائل را از جنبه‌های فنی، مالی، اقتصادی، حقوقی و ... مورد آسیب‌شناسی قرار دهیم و بعد بر مبنای آسیب‌شناسی CPM بگذاریم و بگوییم در یک دوره سه یا پنج ساله این را به نتیجه می‌رسانیم و بعد صورت‌های مالی تهیه شده بر مبنای IFRS را انتشار عمومی دهیم. به نظر من انتشار عمومی در حال حاضر کار خطرناکی است.

پیشنهاد مشخص من در خصوص اجرایی شدن مناسب IFRS در ایران عبارت است از:
- آسیب‌شناسی موضوع از لحاظ قانونی، حقوقی، فنی، مالی، اقتصادی و ... و تدوین نقشه راه با توجه به آسیب‌شناسی انجام شده،
- ایجاد کمیته‌ای متشکل از همه‌ی

نهادهای ذی‌ربط و تشکیل کارگروه‌های مرتبط،

- توجه به اصلاح قوانین و مقررات قبل از اجرایی شدن موضوع،
- ایجاد زیر ساخت‌های فناوری اطلاعات و سیستم‌های مرتبط،
- توجه به دوران گذار مناسب مثلاً ۳ یا ۵ ساله،

- در نظر گرفتن طرح‌های تشویقی در صورت استفاده و اجرای IFRS در دوران گذار، به جای اجبار،

- تهیه‌ی صورت‌های مالی بر مبنای IFRS در دوران گذار به صورت درون سازمانی و آزمایشی و حسابرسی آن و ارائه‌ی به ارگان‌های ذی‌ربط از جمله سازمان بورس و اوراق بهادار و عدم انتشار عمومی آن، همچنین عدم تصریح این که صورت‌های مالی طبق استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تهیه شده است.

- ارزیابی صورت‌های مالی تهیه شده بر مبنای IFRS و کیفیت حسابرسی انجام شده و بررسی مشکلات موجود و راهکارهای رفع آن،

- آموزش کارگاهی لازم با توجه به آسیب‌شناسی انجام شده و صورت‌های مالی حسابرسی شده تهیه شده در دوران گذار علاوه بر آموزش‌های معمول، و
- ترجمه‌ی استانداردها و تجدیدنظر آن‌ها قبل از لازم‌الاجرا شدن، به منظور داشتن زمان لازم برای آموزش و آشنایی استفاده‌کنندگان.

◀ ناصر محامی:

من با آقای رزاق موافق هستم که اول مشکلات و ناکامی‌ها مطرح شود و بعد بیاییم در مورد راهکارهای برون‌رفت بحث کنیم. از نظر روش شناسی هم، این نگاه صحیح است. به نظر بنده رویکرد و چگونگی ورود ما به مبحث قبول IFRS از روز اول از فقدان نگاه همه‌جانبه در رنج بود. متأسفانه ما کلاً در بررسی و قبول یا رد بسیاری از موضوعات دچار



خطای ترکیب هستیم به این معنا که مطالعات خودمان را در سطح میکرو متمرکز می‌کنیم و اگر در سطح میکرو جواب داد گمان می‌کنیم کار تمام است و ادامه می‌دهیم. در حالی که این کافی نیست و ما نیازمند تحلیل‌های کلان و ماکرو هستیم. در این مورد می‌توان مثال‌های متعددی زد که در جاهای دیگری آن‌ها را مطرح کرده‌ام. از همان مصاحبه‌ها و بیانیه‌ها و مصوبات روزهای اول کاملاً مشخص بود که برداشت متولیات امر از استاندارد حسابداری یک برداشت فنی است و عنایت زیادی به کانتکست و الزامات ساختاری مورد نیاز برای پیاده‌سازی موفق و موثر IFRS نیست یا دستکم گرفته می‌شود. در حالی که استانداردهای حسابداری بخشی از قوانین اقتصادی کشور هستند و با قبول یا تعدیل یا منسوخ کردن آن‌ها، به جابه‌جایی ثروت بین گروه‌های مختلف منتهی می‌شوند و موجب تغییر در تصمیمات اقتصادی می‌شوند. بنابراین شایسته نگاه جامع‌تری هستند یعنی استانداردهای حسابداری یک سری دستورالعمل‌های فنی نیستند، برعکس، فراتر از دستورالعمل، مقررات

اقتصادی هستند و تدوین و قبول و پیاده‌سازی آن‌ها نیازمند مطالعات و ملاحظات بسیار فراتری از ملاحظات فنی و تصمیم‌گیری در سطح مثلاً کمیته تدوین استانداردهای حسابداری سازمان حسابرسی است که حتی یک عضو اقتصاددان یا حقوق‌دان در بین آن‌ها (البته در حد اطلاع بنده) نیست. برای پی بردن به اهمیت مساله به خود بنیاد IFRS نگاه کنید، می‌بینید در رأس این بنیاد نه یک حسابدار که یک سیاستمدار و دیپلمات اقتصادی نشسته است. آقای هانس هوگر رت به‌عنوان رئیس بنیاد IFRS یک سیاستمدار مطلع از امور اقتصادی است، عضو کابینه هلند و وزیر اقتصاد و بعداً مسئولیت وزارت امور رفاه و سلامت را هم به عهده داشته، تحصیل کرده تاریخ و روابط بین‌الملل و دارای تجارب و مسئولیت‌های بسیار عمده در حوزه بانکداری بین‌المللی بوده و یک صاحب نظر در امور اقتصادی است. آقای مایکل پرادا، رئیس هیأت امنای بنیاد IFRS یک حقوق‌دان برجسته در زمینه‌ی بورس و دارای مسئولیت‌های دولتی بسیار عالی در همین زمینه‌ها در کشور فرانسه بوده است. در حالی که

ناصر رزاقی:
در بحث ریسک و سایر شفافیت‌ها قطعاً با مشکل مواجه می‌شویم و کار به این سادگی نیست

در مقابل، در ایران سالیان سال است که مسئولیت تدوین استانداردهای حسابداری بر عهده حسابداران و حسابرسان (عموماً کارکنان سازمان حسابرسی) عضو کمیته‌ی تدوین استانداردهای حسابداری است. علت این تفاوت در چیست؟ تفاوت در این است که آن‌ها نگاهشان به استانداردهای حسابداری نگاه حداقلی و در حد ضوابط فنی گزارشگری مالی نیست، در نتیجه می‌توانند تحلیل عمیق‌تری از استاندارد حسابداری به‌عنوان قانون اقتصادی داشته باشند و از این پلاتفرم به ساختار مورد نیاز برای پیاده‌سازی استاندارد نگاه بکنند و نگاهشان به ساختار و بستر مناسب اجرای استاندارد بسیار جامع و همه‌جانبه باشد و لذا در موقع اجرا به دشواری و غافلگیری فلج‌کننده برخورد نکنند. همین تفاوت رویکرد است که باعث میشود ما اهمیت زیادی به ساختار و بستر مناسب مورد نیاز اجرای IFRS ندهیم و دو سال پس از صدور فرمان اجرا، ببینیم که از ۷۸ شرکت اصلی و سیصد، چهار صد شرکت فرعی وابسته تنها چهار شرکت موفق به گزارشگری بر مبنای این ضوابط شده‌اند. ما در باب



ناصر محامی:
برای پیاده کردن IFRS ما به سه ساختار پایه‌ای نیاز داریم. ما هم در نظام مالیاتی، هم در نظام ارزیابی و هم در نظام حسابرسی نیازمند زیر ساخت‌های لازم هستیم

شد. نظام مالیاتی ما با افزودن یکی، دو بند به قانون مالیات‌های مستقیم بهبود نمی‌یابد چون نظام مالیاتی ما ماهیتی دارد که در اساس، شرکت‌ها را به تحریف صورت‌های مالی تشویق می‌کند زیرا مبنای دریافت مالیات، اخذ مالیات نقدی از سود تعهدی ابراز شده است یعنی قانون مالیاتی، شرکت‌ها را در موقعیتی قرار می‌دهد که بایستی cash (وجه نقد) فراوان برای پرداخت مالیات در زمان ابراز فراهم آورند که عموماً همیشه و خصوصاً در شرایط رکود دسترسی به نقد قابل توجه دارای محدودیت زیاد است، فارغ از مواردی که مثلاً هزینه را بر می‌گردانند و نرخ مؤثر را از ۲۵ به ۴۵ تا ۵۰ درصد و بیش‌تر حتی می‌رسانند همین قضیه عامل اصلی تشویق تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی به تحریف سودهای مالی است خصوصاً در زمانی که دسترسی‌ها به وجه نقد کم است. مثلاً شما یک شرکت خودروسازی را در نظر بگیرید. می‌آیند ماشین‌شان را پنج‌ساله می‌فروشند ولی با توجه به استانداردهای حسابداری درآمد را

فرمول (طبق کتاب‌ها) می‌رسیم و یک عدد را بر یک عدد دیگر تقسیم می‌کنند و یک ارزشی حاصل می‌شود. این که کار پیچیده‌ای نیست، این‌جا مسأله‌ای اصلی اعتبار آن داده‌هاست که در صورت کسر و در مخرج کسر و در آن فرمول کتابی قرار می‌گیرد یعنی فقط برای این که داده‌های مصرف شده در فرمول‌ها معتبر باشند، جوامع حرفه‌ای ارزیابی و بانک‌های اطلاعاتی تشکیل شده و آیین رفتار حرفه‌ای تدوین شده و لاغیر ... اگر دوستان موافق باشند بنده ذیلاً به تعدادی از این مشکلات کلان که عدم توجه کافی و روش شناسانه به آن‌ها موجب کندی و توقف در پیاده‌سازی IFRS شده مختصراً اشاره می‌کنم:

الان برای پیاده کردن IFRS ما به سه ساختار پایه‌ای نیاز داریم. ما هم در نظام مالیاتی، هم در نظام ارزیابی و هم در نظام حسابرسی نیازمند زیرساخت‌های لازم هستیم. در مورد نظام مالیاتی من نگرانی خیلی زیادی دارم و این نگرانی با توضیحاتی که آقای سعید محمد علیزاده دادند تشدید

استانداردها و از جمله IFRS به‌طور کلی فاقد پارادایم مشخصی هستیم که بر اساس آن پارادایم IFRS را تحلیل کنیم و این پروژه را جلو ببریم. از نظر من پروژه‌ی IFRS یک پروژه ملی است و برای پیشبرد IFRS اتوریته‌ی قانونی و حقوقی سازمان بورس و سازمان حسابرسی ایداً کفایت نمی‌کرد و نخواهد کرد و به همین دلیل هم مشکلات بنیادی در زمینه مسائل مالیاتی و ارزیابی حل نشده باقی مانده‌اند. در بحث میزگرد امروز عموماً به جز برخی اشارات به مسائل کلان، بیش‌تر در باب مسائل میکرو و جزئی صحبت شد که ما روی این بعد، مناقشه‌ی خیلی کمی داریم، بلکه این استانداردها باکیفیت هستند، خیلی کمک می‌کنند و ... در این زمینه مناقشه نداریم. منتها مسأله، اعتبار داده‌هایی است که در نظام جدید گزارشگری مالی مورد استفاده قرار خواهند گرفت که اگر معتبر و قابل اتکا نباشند گزارش‌های مالی قابل اطمینان و مناسب برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی نخواهند بود. مثلاً در کار ارزیابی به یک



به مسأله‌ی ارزش‌های منصفانه می‌رسیم. تفاوتی که در فرایند اجرایی تهیه‌ی صورت‌های مالی در استانداردهای ملی ما و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی وجود دارد این است که یک مرحله‌ی چهارم به فرایند تهیه‌ی صورت‌های مالی اضافه می‌شود. اگر بگوییم این فرایند عبارت است از جمع‌آوری اطلاعات بر مبنای نظام بهای تمام‌شده، ثبت و طبقه‌بندی آن‌ها و بعد گزارشگری مالی، این فرایند وقتی به IFRS می‌رسد یک مرحله به آن اضافه می‌شود یعنی تبدیل بخشی از اطلاعات مالی به ارزش‌های منصفانه. به‌عنوان مثال باید نهادها و موسسات تخصصی در کشور داشته باشیم که کار آن‌ها تهیه‌ی اطلاعات پایه‌ای معتبر، علمی و واقع بینانه مورد نیاز ارزیابان باشد، اطلاعاتی نظیر نرخ‌های بهره، بازده، تنزیل، هزینه سرمایه، تورم، رشد، انواع ریسک‌ها و ... تا این که این اطلاعات برود و در اختیار ارزیابان قرار بگیرد تا کارشان را درست انجام بدهند. بنابراین تا زمانی که جامعه‌ی حرفه‌ای ارزیابی، استانداردهای ارزیابی، آیین رفتار حرفه‌ای ارزیابی، ارزیابان دارای صلاحیت و ابزارهایی که آن‌ها را حمایت می‌کند نداشته باشیم صورت‌های مالی در معرض تحریف است و این دقیقاً خلاف روح و هدف گزارشگری مالی است. هدف گزارشگری مالی شفافیت است و وضعیت فعلی نظام ارزیابی ما، کاملاً برعکس اهداف گزارشگری مالی، شفافیت را کلاً نابود می‌کند. مسأله این نیست که آیا IFRS خوب است یا بد است. من کاملاً با صحبت‌های خانم دکتر حمیدی موافق هستم ولی باید بتوانیم داده‌های معتبر تولید کنیم. زمانی که ما این نظامات را نداریم صورت‌های مالی‌مان کاملاً در معرض تحریف است، هم از باب مالیات که تمایل به تحریف در آن وجود دارد و هم از باب ارزیابی که کاملاً با تحریف

کامل شناسایی می‌کنند چون استاندارد اجازه‌ی این کار را به آن‌ها می‌دهد. برای این درآمد که وجه نقد کمی در مقابلش وجود دارد باید ببینند مالیات را کامل به‌شکل نقد بپردازند. خب معلوم است که با دشواری مواجه می‌شوند و تمایل پیدا می‌کنند به تحریف صورت‌های مالی برای این که گرفتاری مالیاتی کمتری در زمان اظهار مالیات داشته باشند از اینرو در کشور ما تقریباً همه‌ی شرکت‌ها در گزارش حسابرسی بند مالیاتی دارند. از سوی دیگر بعید است شما بتوانید در بازارهای بین‌المللی مثل بورس هنگ‌کنگ یا استانبول یا فرانکفورت صورت‌های مالی با بند مشروط پیدا کنید. اگر ما گزارش حسابرسی شرکت‌های خارجی را می‌بینیم که بدون بند شرط و clean هستند به این خاطر نیست که حسابداران آن‌ها خیلی قوی‌تر از حسابداران ما هستند مسأله این است که در آن‌جا استاندارد حسابداری قانون است و اگر فلان مدیر آن را نقض کند گرفتاری پیدا می‌کند و مورد پرسش قرار می‌گیرد. مگر می‌شود استاندارد حسابداری (قانون) را نقض کرد؟ بنابراین ما نمی‌توانیم صورت‌های مالی شرکت‌های مان را با بند مشروط به بورس بفرستیم. باید فکری برای تهیه صورت‌های مالی که همیشه به لحاظ نگرانی‌های مالیاتی مورد تحریف قرار می‌گیرند، بکنیم، مشکل ما با اصلاح دو تا ماده قانون مالیاتی حل نمی‌شود. نظام مالیاتی ما باید طوری باشد که اگر درآمد را تعهدی ابراز می‌کنیم مالیاتش به شکل نقدی نباشد. بگویند این قدر درآمد ابراز کرده‌ای، این قدرش نقدی بوده، مالیات آن بخش را نقدی و بقیه را بعد که وصول کردی می‌گیریم. خب این مسأله در حیطه‌ی اختیارات بورس نیست. بورس یا سازمان حسابرسی زورشان به این کار نمی‌رسد. این را می‌باید مجلس و دولت انجام دهند. پس موضوع اتوریته مهم است.

مواجهیم. خودتان می‌دانید که قانون انتقال اندوخته تجدید ارزیابی به سرمایه چقدر موجب تحریف‌های عظیم در صورت‌های مالی شده، شرکت‌هایی که در معرض نابودی بودند یک‌شبه با یک مشت کاغذ و اعداد و ارقامی که هیچ رویکرد علمی و حرفه‌ای آن‌ها را ساپورت نمی‌کند، احیا شدند. این مطلقاً خلاف روح گزارشگری مالی است پس بدون تعیین تکلیف نظام ارزیابی، اجرای IFRS ناخودآگاه مشارکت در تحریف صورت‌های مالی است. بنابراین باید از روز اول این مسائل مورد توجه قرار می‌گرفت و مطرح می‌شد. متأسفانه از روز اول فقط مطالعات میکرو یعنی بررسی‌های فنی و آموزشی IFRS انجام شد. مباحث تمام سمینارها و گردهم‌آیی‌ها همین بحث‌هایی است که الان مطرح کردند. IFRS خوب و قوی است و به درد ما می‌خورد اما هیچ کس به این توجه نکرده که آیا ما می‌توانیم اطلاعات مورد نیاز این نظام را تهیه



استانداردهای حسابداری از مقوله‌ی قوانین اقتصادی‌اند و استانداردهای حسابرسی از مقوله‌ی ضوابط مهندسی. از روز اول اگر به ترکیب نهاد تدوین استانداردهای ما نگاه کنید، هیچ اقتصاددانی آن‌جا نبوده است. این اشکال به اقتصاددانان هم برمی‌گردد. شما به نوشته‌های اقتصاددانان نگاه کنید هیچ کدام‌شان کاری به استانداردهای حسابداری ندارند و به این حوزه‌ی اساساً وارد نمی‌شوند.

می‌دانید که در سازمان بورس کارگروه ارزش منصفانه تشکیل شده (از چند سال قبل) و قرار بوده کارگروه ارزش منصفانه، مشکلات ارزیابی را رفع کند ولی تاکنون دو جلسه بیشتر نداشته است چون خودشان می‌دانستند متوقف است و نمی‌تواند جلو برود. یا کمیته‌ی راهبری IFRS در بورس را نگاه کنید. این کمیته قرار بوده چه کارهایی انجام دهد؟ کسانی که این کمیته را تعیین کردند توجه‌شان به این نبوده که این قضیه فراتر از تئوریه بورس است. از جمله وظایف این کمیته فراهم کردن زیرساخت‌ها و رفع موانع به کارگیری ازجمله موانع تعیین ارزش منصفانه بوده است. خب هیچ کدام از این‌ها انجام نشده است چرا؟ چون توان و تئوریه قانونی برای رفع موانع ساختاری اجرای IFRS را ندارند. بنابراین اگر نگوییم شکست، ناکامی وجود داشته و قابل توجه هم بوده است.

◀ سعید محمد علیزاده:

خواهش من از همه‌ی ذی‌نفعان این است که برای مشکلات راه‌حل هم در اجرای مسیر بدهند. در برخی موارد مقررات هم وجود دارد ولی شاید درست اجرا نمی‌شود. کانون کارشناسان رسمی یک نهاد قانونی است که از دهه‌ی ۱۳۴۰ قانون برای آن وجود دارد و مرجعی است که قابل استناد است. در حال حاضر نیز صورت‌های مالی ما

که حسابرسی و اعتباربخشی و منتشر می‌شود بر پایه‌ی همان ارزیابی‌ها است.

◀ ناصر محامی:

همه‌ی تقصیرات سمت کانون کارشناسان و ارزیابان نیست. یک سمت بزرگ‌تری هم دارد و آن حسابرس‌ها هستند. استاندارد ۵۴۰ در مورد برآوردها خیلی واضح تکلیف حسابرس را روشن کرده است. گفته وقتی شما با یک برآورد مواجه‌اید از جمله برآورد ارزش منصفانه باید اولاً اعتبار مفروضاتی را که برآورد بر اساس آن انجام شده ثابت کنید و ثانیاً صحت متدولوژی‌ای را که بر اساس آن برآوردها انجام شده بررسی کنید و سوم، ببینید از داده‌های معتبری در این متدولوژی استفاده شده یا خیر. همه‌ی این موارد را حسابرسان ده‌ها سال است زیر پا گذاشته‌اند. به محض اینکه مهر و امضای کارشناس رسمی را دیده‌اند گفته‌اند بسیار خب می‌پذیریم در حالی که باید رسیدگی می‌کردند بر اساس کدام مفروضات معتبر و با کدام متدولوژی درست، این ارزیابی را انجام داده‌اند و چه داده‌های معتبری را مورد استفاده قرار داده‌اند. یعنی هر سه جزء را باید بررسی می‌کردند. اگر حسابرسان این کار را می‌کردند شاید ما خیلی زودتر به وضعیت مناسب در نظام ارزیابی می‌رسیدیم.

◀ سعید محمد علیزاده:

در خصوص ارزیابی به ارزش‌های منصفانه، مشکل وجود دارد ولی در اجرای IFRS وزنش کمی پررنگ‌تر می‌شود نه اینکه مشکل جدیدی باشد. دو کارگروه ارزش منصفانه تشکیل شده و یکی با توجه به نیاز تشکیل می‌شود. در مورد بحث کلان هم در کارگروه عالی که تشکیل شد از وزارت اقتصاد و سازمان مالیاتی بودند. آن‌ها باید مسائل کلان را در نظر بگیرند. قانون‌گذار وزن زیادی به استانداردها داده و در اجرا

کنیم؟ وقتی نتوانیم اطلاعات مورد نیاز این نظام را به نحو قابل اتکا تهیه کنیم، از مقصد دور می‌شویم، ضربتی شدید می‌خوریم و مجدداً باید از نو شروع کنیم. بنابراین به نظر من موضوع در مرحله نخست باید کاملاً آسیب‌شناسی شود.

من اصرار ندارم که این پروژه را شکست خورده بنامم، همین که کلید خورده و الان این بحث‌ها را می‌کنیم خوب است. یک روز در این کشور هیچ کس صحبت از استاندارد ارزیابی نمی‌کرد ولی الان همه در مورد آن صحبت می‌کنند. در سطح میکرو کارها خوب انجام شده اما از روز اول با متدولوژی ناقصی کار را شروع کردیم و بر مبنای ساده گرفتن یک مسأله‌ی پیچیده به این سمت آمدیم.

ما همیشه با مسأله‌ی استانداردها برخورد تقلیلی داشتیم. مسأله استاندارد های حسابداری با استانداردهای حسابرسی کاملاً متفاوت است.



مبنای IFRS یا بر چه مبنای دیگری ندارد و مشکل ساز خواهد شد.

◀ سعید محمد علیزاده:

من باز برمی‌گردم به لایحه‌ای که در هیأت دولت رفته است. ارزیابی‌های شامل نیست. سؤال پیش می‌آید کدام دارایی‌ها؟ آیا حساب‌های دریافتی هم دارایی است؟

◀ الهام حمیدی:

استاندارد حسابداری مالیات بر درآمد در تناقض با قانون مالیات‌ها نیست. در حال حاضر شرکت‌ها اصول حسابداری تعهدی را برای همه‌ی هزینه‌ها رعایت می‌کنند به جز مالیات که بر مبنای نقدی در صورت‌های مالی انعکاس می‌یابد. استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۲ گزارشگری مالی را اصلاح می‌کند تا شما هزینه‌ی مالیات را بر مبنای تعهدی حساب کنید؛ اما مالیاتی که باید پرداخت شود، بر اساس قوانین مالیاتی مشخص می‌شود.

◀ ناصر محامی:

به‌عنوان جمع‌بندی عرض می‌کنم

ناصر رزاق: زیان‌های مالیاتی که می‌توانیم بعداً به درآمد منتقل کنیم، دارایی‌های مالیاتی، بدهی‌های مالیاتی و تفاوت‌هایی که ایجاد می‌شود می‌توانند مشکل ساز باشند

◀ الهام حمیدی:

شما به IAS12 اشاره کردید. مشکل آن چیست؟

◀ ناصر رزاق:

فکر نمی‌کنم سازمان مالیاتی تفاوت‌های مالیاتی را به این راحتی بپذیرد. بحث فنی است که قبلاً مطرح کردم.

◀ الهام حمیدی:

استاندارد حسابداری ۱۲ با قانون مالیات‌ها هیچ تداخلی ندارد. هدف این استاندارد تمایز بین گزارشگری مالی و گزارشگری مالیاتی است.

◀ ناصر رزاق:

زیان‌های مالیاتی که می‌توانیم بعداً به درآمد منتقل کنیم، دارایی‌های مالیاتی، بدهی‌های مالیاتی و تفاوت‌هایی که ایجاد می‌شود می‌توانند مشکل ساز باشند. حتی دو صورت مالی بر مبنای استانداردهای ملی و IFRS که کنار هم می‌گذاریم اگر اختلافی وجود داشته باشد و سازمان مالیاتی احساس درآمد اضافی کند کاری به این که درآمد بر مبنای دفتر بوده یا بر

مشکل وجود دارد. این به خاطر نگاه سنتی جامعه است. قانون بازار ماده ۴۲ و ۴۳ به صراحت می‌گوید صورت‌های مالی باید طبق استانداردهای حسابداری و حسابرسی که سازمان بورس ابلاغ می‌کند، باشد. استنباط من این است که ما در اجرا مشکل داریم.

◀ مهدی سوادلو:

من بحث آقای محامی را کمی تکمیل کنم. در بحث بازار کارا باید کشورهایی را که شرایط بازارشان مثل ماست در نظر بگیریم نه آن‌هایی که بازار کارا و اقتصاد آزاد دارند. باید چند کشور را پیدا کنیم که وضعیت بازارشان مثل ماست. الان بحث تعیین ارزش منصفانه مطرح است. یک بحث ناگفته می‌ماند و آن هم این است که اقتصاد ما شبیه اقتصاد کشور آلمان نیست مثلاً در حوزه مسکن ما چه قدر اطلاعات راجع به قیمت‌ها داریم؟ چه قدر این اطلاعات قابل استناد است؟ بنابراین باید کشورهایی را پیدا کنیم که مشابه ما هستند یعنی شرایط تورمی ما را دارند و کارایی بازار کالایشان هم شبیه ما است و IFRS را اجرا کرده‌اند.



در فرصت این میزگرد نتوانستیم نظام حسابرسی را هم مورد بحث قرار دهیم. نظام حسابرسی ما در وضع فعلی، اساساً قادر نیست طبق IFRS کار کند. برای این که مؤسسات حسابرسی ما مطابق مدل وطنی هستند نه مدل بین‌المللی. ما نه می‌توانیم با مؤسسات حسابرسی خارجی شریک شویم و نه می‌توانیم به‌جز خدماتی مختصر، خدماتی غیر از حسابداری رسمی ارائه کنیم. اگر بخواهیم در عرصه‌ی جهانی کار کنیم و گزارش‌های ما معتبر باشد باید نظام حسابرسی خودمان را تغییر دهیم یعنی این هم باید بخشی از برنامه‌ی ما باشد. شما بهتر می‌دانید که فرایند گزارشگری مالی با تهیه صورت‌های مالی تمام نمی‌شود بلکه با صدور گزارش حسابرسی تمام می‌شود. وقتی گزارش بهترین مؤسسه‌ی حسابرسی ما را نمی‌پذیرند ما چه باید کنیم؟ پس در هر سه زمینه‌ی نظام مالیاتی، نظام حسابرسی و نظام ارزیابی باید بازبینی اساسی انجام دهیم. ■

ناصر محامی: مشکلات اصلی ما این است که سازمان بورس و سازمان حسابرسی و حتی دولت باید برای تغییر روح قانون مالیات‌های مستقیم تلاش کنند

با کشورهای دنیا تفاوت دارد. ما اگر می‌خواهیم در مجامع بین‌المللی حضور پیدا کنیم باید با کنسپت آن‌ها پیش برویم. ما نمی‌توانیم تلقی متفاوتی از آن چه اقتصاد جهانی از صورت‌های مالی و استاندارد حسابداری دارد، داشته باشیم. ما اگر از اقتصاد جهانی فاصله نگرفته بودیم، اگر ارتباطمان به صورت سیستماتیک با بازارهای مالی قطع نبود، الان این مشکلات را نداشتیم از این‌روست که طرز فکر مدیران و حسابرسان و مسئولان ما کاملاً با نوع بین‌المللی آن متفاوت است. مشکلات اصلی ما این است که سازمان بورس و سازمان حسابرسی و حتی دولت باید برای تغییر روح قانون مالیات‌های مستقیم تلاش کنند. اگر بپذیریم که اجرای IFRS یک پروژه‌ی ملی است و نیازمند حمایت مراجع تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر است باید این مسائل را به عرصه‌ی عمومی بیاوریم و در سمینارها، سایت‌ها و روزنامه‌ها بحث کنیم تا زمینه‌ی روانی لازم برای این که بتوانیم تأثیرگذار باشیم ایجاد شود. ما

که قانون مالیات‌های مستقیم به‌خاطر روح مستتر در آن، مستعد تشویق تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی به تحریف صورت‌های مالی است، این معضل با افزودن چند بند مالیاتی قابل حل نیست. فردا استاندارد عوض می‌شود و یک مورد جدید می‌آید، با آن چه کنیم؟ روح قانون را باید بتوانید عوض کنید. روح قانون مالیات‌های ما از سال ۱۳۴۵ که ما با آن قانون آشناییم بر مبنای تشویق تهیه‌کننده‌ی اظهارنامه‌ی مالیاتی به تحریف صورت‌های مالی از باب کم‌تر نشان دادن درآمدش و بیش‌تر نشان دادن هزینه‌اش بنا شده. نظام ارزیابی و تعیین ارزش منصفانه به‌شکل بنیادی نیازمند تغییر و تبدیل از یک سازمان سنتی و بوروکراتیک به یک نظام حرفه‌ای و مدرن ارزیابی با تمام مشخصات آن است تا بتواند اطلاعات منطقی و قابل اتکا تولید بکند و گرنه صورت‌های مالی مستعد تحریف خواهند بود. از سوی دیگر رویکردی که صاحبان سهام و مدیران و مقامات دولتی و قانون‌گذاران ما به استانداردهای حسابداری دارند